

ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی

رحمت شمسی^{۱*}، بختیار احمدی^۲

۱- کارشناسی ارشد مطالعات توسعه، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

تا چند دهه اخیر صاحب نظران توسعه رشد و توسعه اقتصادی یک کشور را مرهون منابع طبیعی شامل منابع طبیعی زیرزمینی (آب، نفت، بنزین) و سایر معادن می‌دانستند اما امروزه سرمایه‌ای مطرح شده است که کمبود این سرمایه به مانعی در راه پیشرفت و توسعه اقتصادی تبدیل شده است، عاملی که اگر وجود داشته باشد، سایر سرمایه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سرمایه‌ای که شامل، مشارکت مردم، انسجام آنها، اعتماد به یکدیگر، درک متقابل، می‌باشد و آن همان سرمایه اجتماعی است. روش تحقیق در این تحقیق کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحقیقات انجام گرفته در باره ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی و ارزیابی تحقیقات انجام شده از این ارتباط و همچنین استفاده از تحلیل ثانوی می‌باشد. فقدان مردم سالاری واقعی و عدم شکل‌گیری نهادهای مدنی که خود حاصل فقدان سرمایه اجتماعی اولیه است مانع شکل‌گیری این سرمایه می‌شود که در مقیاس‌های ملی و فرا ملی فرایند توسعه را با مشکل مواجه می‌کند سرمایه اجتماعی در نهایت می‌تواند فضایی را برای کسب و کار و فعالیت اجتماعی فراهم کند که می‌تواند انجام مبادلات و فعالیتهای اقتصادی را تسهیل کند و با هزینه کمتری آنها را ممکن سازد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی

۱- مقدمه

مدتهاست که اندیشمندان علوم اجتماعی در مورد ماهیت و چگونگی دستیابی به توسعه همه جانبه در حال انجام تحقیقات و ساختن نظریه‌ها هستند. امروزه در اوایل قرن بیست و یکم در حالیکه در حدود سه قرن از انقلاب صنعتی می‌گذرد، برای اکثر مردم کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه تحقق شاخص‌های توسعه از جمله رفع فقر و محرومیت، نابرابری و تأمین حداقل معاش برای عموم مردم فقط یک رویاست یک قرن از عمر سازمان‌های بین‌المللی مدعی رفع محرومیت می‌گذرد، اما آنها نیز نتوانسته‌اند به تحقق این شاخص‌ها کمک آنچنانی بکنند. تا چند دهه اخیر صاحب نظران توسعه رشد و توسعه اقتصادی یک کشور را مرهون منابع طبیعی شامل منابع طبیعی زیرزمینی (آب، نفت، بنزین) و سایر معادن می‌دانستند و پدیده استعمار هم با توجه به این عوامل صورت گرفت، کشورهای استعماری که برای به دست آوردن سرمایه فیزیکی دست به استعمار زدند و در قرن ۱۹ اکثر کشورهای آسیایی و آفریقایی را به سلطه خود درآوردند تا بتوانند به منابع طبیعی فراوان آنها دست پیدا کنند؛ و از طرفی بازاری را در این کشورها برای خود دست و پا کنند.

پس از آن، طی نیم قرن و با ظهور نئوکلاسیک‌ها، تشکیل سرمایه انسانی نیز مورد توجه قرار گرفت، سرمایه انسانی که شامل آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و افزایش تخصص در رشته‌های گوناگون علمی می‌شد، اما در این بین کمتر به تعاملات اجتماعی و نقش ارزشها و به طور کلی، نمادهای رسمی و غیر رسمی در اقتصاد توجه شده است، با به وجود آمدن مکتب "نهادگرایان جدید" به نقش نهادها و به خصوص سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی توجه بیشتری شد. به طوری که بانک جهانی از این نوع سرمایه، به عنوان "ثروت نامرئی" یاد می‌کند.

اگر روابط که فرهنگ، آداب و رسوم، هنجارها، نهادها، شبکه‌های اجتماعی و غیره در چگونگی تشکیل آن نقش دارند و در جهت مثبت رشد و تکامل آن یافته باشند، می‌توانند در تعاملات و روابط اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های مبادلاتی و تأثیر بر سایر انواع سرمایه شوند و در نهایت باعث توسعه اقتصادی شوند. برای دیگر مشخص شده است که توسعه اقتصادی همان رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه مردم نیست. شکست برنامه‌های توسعه این کشورهای در حال توسعه بعد از جنگ دوم جهانی گویای این امر است که بهترین پشتوانه و سرمایه برای رسیدن به توسعه همه جانبه و پایدار رسیدن به سرمایه اجتماعی است که دیگر سرمایه‌ها را تحت پوشش خود قرار می‌دهد و زمینه رشد و ترقی دیگر سرمایه‌های فیزیکی و انسانی و فرهنگی را موجب می‌شود. رسیدن به توسعه اقتصادی نیازمند مشارکت و همیاری همه مردم است و تحقق همه شاخص‌های آن بدون داشتن سرمایه اجتماعی بالا محقق نخواهد شد. در اغلب کشورها، رسیدن به سرمایه فیزیکی بالا و سرمایه انسانی محقق شده است اما آنچه که همچنان کمبود آن احساس می‌شود، سرمایه اجتماعی است. در اغلب کشورها ما شاهد منابع غنی هستیم، دارای تخصص‌های بالا هستیم، اما نبود آن سرمایه‌ای که بتواند به بهره برداری از این منابع و سرمایه‌ها بپردازد باعث شده است که مهارت‌ها تلف شوند، سرمایه‌ها هدر روند و مسیر توسعه کشور دچار بحران و سرگردانی شود و امر توسعه را سال‌ها به عقب برگرداند.

۲- مبانی نظری

در این بخش ابتدا به تعریف مفاهیم سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود و سپس به مبانی نظری توسعه اقتصادی می‌پردازیم.

۲-۱- سرمایه اجتماعی

همانند تعداد زیادی از مفاهیم جامعه‌شناسی، سرمایه اجتماعی یک مفهوم فرا رشته‌ای، چند وجهی مبهم، با تعاریف مختلف و از موضوعات مورد بحث در چند دهه اخیر است.

در علوم سیاسی، روانشناسی و مردم‌شناسی، منظور از سرمایه اجتماعی، هنجارها شبکه‌ها سازمان‌های رسیده به منابع محدود و قدرت و کانال انجام تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها است. دانشمندان این علوم نیز از طریق تجزیه و تحلیل هنجارها شبکه‌ها و نهادها به مفهوم سرمایه اجتماعی دست پیدا می‌کنند. این در حالی است که اقتصاد دانان این مفهوم را از

طریق تجزیه و تحلیل نهادی و قراردادهای و روابط متقابل بین افراد و آثار آن بر مبادلات و سرمایه گذاریها بررسی می کنند تعدادی زیادی از محققان، سرمایه اجتماعی را به عنوان اعتماد و هنجارهای گروههای شهروندی و بعضی دیگر این مفهوم را به عنوان ارزشهای فرهنگی از قبیل دلسوزی، نوع دوستی، تعاون و بردباری تعریف می کنند (صفدری و دیگران، ۱۳۸۷: ۳). از نظر برخی دیگر، سرمایه اجتماعی روابط و هنجارهای شکل دادن به کمیت و کیفیت تعامل اجتماعی در یک جامعه است. سرمایه اجتماعی، تنها سرجمع نهادهای پایه ریزی شده و نهادینه شده در یک جامعه نیست، بلکه مانند چسبی است که آنها را در کنار یکدیگر نگه می دارد (همان: ۳).

سرمایه اجتماعی^۱ مانند دیگر مفاهیم علوم اجتماعی تعریف یگانه ای ندارد، اما هر یک از متفکران و نظریه پردازان تعاریفی ارائه داده اند، پیتر بورديو سرمایه اجتماعی را از دید جامعه شناسی چنین تعریف می کند: (مجموعه منابع واقعی یا بالقوه ای است که حاصل شبکه های با دوام از روابط کمابیش آشناییها، شناخت متقابل و عضویت در گروه است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

جیمز کلن هم از زاویه جامعه شناسی به سرمایه اجتماعی می نگرد، وی از سه گونه سرمایه یعنی سرمایه انسانی (مهارت ها و دانش فردی، سرمایه فیزیکی و سرمایه اجتماعی نام می برد، از دید او سرمایه اجتماعی فرآیند روابط میان افراد، گروه ها و اجتماع است که اعتماد می آفریند و این روابط و اعتماد در جای خود کنش جمعی را در رسیدن به هدف یا هدف های جمعی یاری می رساند (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

به نظر بیکر سرمایه اجتماعی به منابع فراوانی که در میان یا از طریق شبکه های فردی یا سازمانی قابل دسترسی هستند اشاره دارد این منابع شامل، اطلاعات، نظریات، راهنماییها، فرصت های کسب و کار، سرمایه مالی، قدرت، حمایت احساسی، خیرخواهی اعتماد و همکاری می شود (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳۸۵).

۲-۲- طبقه بندی سرمایه اجتماعی

الف. سطح خرد (فردی)

سرمایه اجتماعی در سطح خرد، شامل شبکه هایی از افراد، گروه های مختلف همچون دوستان، اقوام و خانواده ها می شود. به طور کلی سرمایه اجتماعی در این سطح به افراد موجود در شبکه اشاره دارد که بر اثر تعامل میان آنها، شناخت حاصل می شود و هویت اعضا شکل می گیرد. این سطح از سرمایه اجتماعی می تواند اثرات جنسی مثبت و یا منفی را به همراه داشته باشد. اگر تعاملات و روابط بین گروه ها و شبکه ها طوری باشد که فقط با اعضای گروه رابطه و دادوستد داشته باشند، یک نوع اثر جنسی منفی را بوجود می آورد که می تواند با رشد و توسعه اقتصادی در تضاد باشد. از آن جمله می توان به گروه های تروریستی و مافیا اشاره کرد که در اینگونه موارد، سرمایه اجتماعی فقط به نفع اعضای این گروه هاست و نفعی برای جامعه ندارد (صفدری و دیگران، ۱۳۸۷: ۳).

این سطح از سرمایه اجتماعی را هم به دو نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی تقسیم بندی کرده اند که سرمایه اجتماعی درون گروهی در بین افرادی که روابط نزدیک و دوستانه دارند دیده می شود. نظر پردازان، اثرات منفی سرمایه اجتماعی را به سرمایه اجتماعی درون گروهی نسبت می دهند و گذراندن اوقات فراغت با خانواده و دوستان نزدیک را مانع افزایش تولید و در نتیجه رشد اقتصادی می دانند این در حالی است که چو (۲۰۰۵) در مدل خود بیان می کند که سرمایه اجتماعی درون گروهی، نقش کلیدی در انباشت سرمایه انسانی بازی می کند و از این نظر رشد اقتصادی در پی دارد.

سرمایه اجتماعی برون گروهی هم روابط بین افرادی را شامل می شود که از خصوصیات ارزشی و فرهنگی و نیز عقاید مشترک کمتری برخوردارند. به عنوان مثال، هرچه ارتباط و پیوند بین عموم مردم و گروه ها و سازمان های مختلف بیشتر باشد، این نوع از سرمایه اجتماعی بیشتر در جامعه وجود خواهد داشت. فوکویاما از این نوع سرمایه با عنوان سرمایه اجتماعی تعمیم یافته یاد می کند و بیان می دارد که میزان اعتمادی که افراد گروه به افراد غیر عضو یا عموم مردم می کنند، می تواند باعث رشد و توسعه اقتصادی شود (همان: ۴).

^۱ Social Capital

ب. سطح میانی (گروهی)

سرمایه اجتماعی در سطح میانی که به سرمایه اجتماعی رابط نیز معروف است، شامل پیوندها و روابط عمومی است، به عنوان مثال به روابط بین گروه‌ها، سازمان‌ها، بنگاه‌ها یا یکدیگر می‌پردازد (علمی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۵۳).

در این سطح سرمایه اجتماعی یک پدیده ارتباطی است که می‌تواند به عنوان، دارائی گروه‌ها انجمن‌های محلی و ملت‌ها به حساب آید، به نظر یوتنام، سازمان‌های اجتماعی، اتحادیه‌ها کلیساها و گروه‌های اجتماعی از طریق پیوند بین شکاف‌های اجتماعی تفرقه اندازانه، متحد کردن مردم، دارای ارزش‌ها و گذشته‌های متفاوت به بهبود بخشیدن به خلق و خواهی قلبی، مانند بردباری، یاریگری، روابط متقابل و همچنین از طریق مشارکت در ایجاد زیر بنای اجتماعی استوار، پر بار و درخشان، نقش حیاتی را در ایجاد سرمایه اجتماعی ایفا کند (از کیا، ۱۳۸۷: ۳۹۲).

ج. سطح کلان (اجتماعی)

آخرین و فراگیرترین جنبه سرمایه اجتماعی، جنبه کلان آن می‌باشد که شامل رسمی‌ترین روابط و ساختارهای نهادی می‌شود، به همین لحاظ در برخی مطالعات، این سطح از سرمایه اجتماعی، با عنوان نهادی هم معرفی می‌شود این بخش از سرمایه اجتماعی به محیط اجتماعی و سیاسی می‌پردازد که به ساختارهای اجتماعی شکل می‌دهند و هنجارها را قابل توسعه می‌کند، رژیم سیاسی، سلطه قانون، نظام قضایی و آزادیهای سیاسی و مدنی، نهادهایی هستند که از طریق آنها، سرمایه اجتماعی کلان شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی کلان، ساختارهای رسمی شده را شامل می‌شود (علمی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۵۴).

۲-۳- مبانی نظری سرمایه اجتماعی

هدف از ارائه یک چارچوب نظری داشتن تعاریفی روشن از این مفهوم، بررسی نظرات محققانی که در این زمینه کار کرده‌اند، بررسی عمق موضوع و داشتن چشم اندازی روشن از ابعاد این موضوع است.

بوردیو

بوردیو جامعه شناس اروپایی بود که بیشتر به بررسی دوام و پایداری طبقه اجتماعی و سایر اشکال مستحکم نابرابری گرایش داشت، در دهه ۱۹۷۰ بوردیو مفهوم سرمایه اجتماعی را توسعه داد، اما این کار اونسبت به قسمت‌های دیگر نظریه اجتماعی‌اش توجه کمتری را جلب کرد (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۹).

سرمایه اجتماعی از نظر او مجموعه منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه‌های پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (همان؛ ۳۱).

به نظر بوردیو سرمایه در سه شکل بنیادی امکان بروز می‌یابد، به شکل سرمایه اقتصادی که قابلیت تبدیل به پول را دارد و ممکن است در شکل حقوق مالکیت نهادینه شود، به شکل سرمایه فرهنگی که در شرایط معین قابلیت تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل کیفیت‌های آموزشی نهادینه شود و سرمایه اجتماعی که از الزامات اجتماعی (ارتباطات) ساخته شده است و در شرایط معین، قابلیت تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به صورت عنوان اصالت خانوادگی نهادینه شود (بوداکی، ۱۳۸۹، ۱۷).

او خاطر نشان می‌کند که برای حفظ ارزش سرمایه اجتماعی افراد، باید روی آن کار شود او به خوانندگان یادآوری می‌کند که سرمایه (کار انباشته شده) ای است که برای جمع شدن نیاز به زمان دارد. او با نگاه مناقشه آمیزی که تبدلات غیر مادی - جهان هنرمند یا جهان عشق و ازدواج را غیر سودانگاران می‌دانست مخالفت می‌کرد، به نظر او سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی باید به عنوان دارایی در نظر گرفته شوند و اینها نشان دهنده تولید کار انباشته شده می‌باشند. به نظر او درک دنیای اجتماعی بدون فهم نقش اشکال مختلف سرمایه و نه فقط آن شکل از سرمایه که در نظریه اقتصادی مطرح است، غیر ممکن است (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۲).

بوردیو معتقد بود که ارزش پیوندهایی که یک فرد برقرار می‌کند، مرتبط است با ارزش سرمایه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی) که هریک از پیوندها دارند، یعنی ارزش حاصل از یک ارتباط با پیوند حاصل جمع سایر سرمایه‌ها می‌باشد، به اعتقاد او کسانی

که صرفاً بر تحصیلات خود تکیه می‌کنند، آسیب پذیرترین افراد در روند سقوط اعتبار هستند نه فقط به این دلیل که دارای هیچ ارتباطی نیستند، بلکه به این دلیل که سرمایه فرهنگی ضعیفشان، دانش آنها را درباره تلاطم‌های بازار اعتبارات کم می‌کند (همان: ۳۴).

بورديو معتقد بود که سرمایه اجتماعی یکی از دارایی‌های ثروتمندان و وسیله‌ای برای حفظ برتری آنها می‌باشد. در نظریه وی جایی برای امکان بهره برداری دیگران یعنی افراد یا گروه‌های کم بضاعت تر از این پیوندهای اجتماعی وجود ندارد (همان: ۳۸).

انتقاداتی که به نظریه بورديو وارد شده است

فیلد جان در کتاب سرمایه اجتماعی انتقاداتی به این صورت وارد می‌کند.

- نظریه وی نمی‌تواند جواب گوی روابط اجتماعی بازتر بشود، چرا که بورديو سرمایه اجتماعی ویژگی انحصاری نخبگان می‌داند که برای تأمین موفقیت نسبی‌شان طراحی شده در حالیکه نمی‌توان با این توجیه، عدم کنترل خانواده‌ها بر یک سری از اشکال تبادل را توجیه کرد.
- بورديو نقش ایدئولوژی را در سرمایه اجتماعی نادیده می‌گیرد و تفسیری مارکسیستی از موضوع می‌کند، او آزادانه تأثیر تفکر مارکسیستی را بر راهبرد کاملاً مجزای خود تصدیق می‌کند.
- توجه کمی به وجه منفی سرمایه اجتماعی دارد، دلیل اصلی آن هم این است که نظریه وی به طور دقیق بر شیوه‌های بکارگیری اتصالات توسط برخی گروهها برای کسب سود تمرکز دارد.
- بورديو به دیدگاهی از سرمایه اجتماعی می‌رسد که قدیمی و فردگرایانه بنظر می‌رسد در این نگاه جایگاه کمی برای کنش‌گرایی جمعی وجود دارد، اتصالات از طریق افراد و برای کسب برتری ایجاد می‌شوند و بنابراین زندگی مشارکتی وسیله‌ای است برای رسیدن به یک هدف (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۷).

یوتنام ۱:

کار یوتنام از مرزهای رشته تخصصی وی که علوم سیاسی می‌باشد فراتر رفته و به حوزه عمومی رسیده است. یوتنام در روزنامه‌های کثیرالانتشار و مصاحبه‌های تلویزیونی مورد مصاحبه قرار گرفت و عکس او با همسرش در صفحات "مردم" به چاپ رسید. او نسبت به شهرت ناگهانی خود فروتن بود و آن را نه به عنوان شکوفایی خلاقیت دیرنگام خود بلکه در قالب این حقیقت ساده که "من نا آگاهانه دردی را مطرح کردم که در اذهان بسیاری از مردم امریکا شکل گرفته بود توصیف می‌کند (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۱).

او مفهوم سرمایه اجتماعی را به این گونه شرح می‌دهد:

«سرمایه اجتماعی به ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی از جمله، اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که قادرند، کارایی جامعه را با تسهیل کنش‌های تعاونی بهبود بخشند» (همان: ۵۴).

تعریف یوتنام از سرمایه اجتماعی در طول دهه ۱۹۹۰ تغییر کمی داشت، در سال ۱۹۹۶ او اظهار می‌دارد: منظور من از سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها و هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثر اهداف خود را تعقیب نمایند (همان: ۵۵).

متعاقباً یوتنام در کتاب برجسته خود اظهار داشت که:

«ایده مرکزی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ارزشمند هستند، تماس‌های اجتماعی بر کارایی افراد و گروهها تأثیر می‌گذارد» (همان، ۵۵).

به نظر می‌رسد، او صورت بندی، بهبودی در تعاریف اولیه بوجود می‌آورد چرا که به نظر می‌رسد تماس‌های اجتماعی و تأثیری را که بر کارایی افراد دارند جدای از تعقیب اهداف مشترک بر توانایی و مهارت و آگاهی آنها و به وجود آمدن هنر مشارکت کمک می‌کند.

یوتنام همچنان با هدف توسعه سیاسی و دموکراسی با سطح تحلیل گروهی سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند «اعتماد، هنجارها و شبکه‌ای که همکاری و مشارکت برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند» (بوداقی، ۱۳۸۹: ۹۲).

هسته اصلی تحقیق یوتنام درباره آمریکا، در گردآوری ریزبینانه جزئیات تجربی نهفته است، او شواهد یا جزئیات قابل توجهی را مبنی بر نزول سرمایه اجتماعی در آمریکا بخصوص در کتاب «یولینگ تنها» که بصورت نظام مند دامنه‌ای از داده‌های آماری مربوط به تمایلات اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم را تحلیل می‌کند ارائه می‌دهد.

اهمیت شواهد گردآوری شده درباره نزول سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ متقاعد کننده است. بر اساس مطالعات یوتنام به نظر می‌رسد که مشارکت سیاسی، عضویت انجمنی، مشارکت مذهبی، داوطلب شدن، نیکوکاری، تعامل اجتماعی کارمحور و شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی که همگی به تفصیل بررسی شده‌اند، به صورت هماهنگ با هم کم و بیش تنزل یافته‌اند.

یوتنام این مدل را با آن دسته داده‌های پیمایشی که نشان می‌دهند، درک آمریکایی‌ها نسبت به صداقت و اعتماد از اوجی که اواسط دهه ۱۹۶۰ داشته کاهش یافته است، مرتبط می‌سازد. این شواهد تغییر نگرش هم با استفاده از داده‌های مربوط به تغییر رفتار از جمله تمایل فزاینده رانندگان به عبور از چراغ قرمز در تقاطع‌ها و افزایش شدید جرائم گزارش شده، کامل شده است.

یوتنام به یک سری روندهای جدید از جمله افزایش گروه‌های خودپاری کوچک و داوطلب شدن جوانان و ظهور راه‌های جدید برقراری ارتباط از طریق اینترنت و سایر تکنولوژی اشاره می‌کند اما در آخر نتیجه گیری می‌کند که شواهد مبهم هستند و میزان استقبال آمریکایی‌ها از اجتماعات در دو دهه پیش از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است (همان: ۵۹).

فوکویاما

فوکویاما در آثار خود بیان می‌کند که هرچند تعاریفی برای سرمایه اجتماعی ارائه شده ولی بسیاری از این تعاریف به نمودهای سرمایه اجتماعی و نه خود آن اشاره می‌کند، او بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان برقرار است در آن سهیم هستند. او اضافه می‌کند که مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزشها ممکن است ارزشهای منفی باشند که به ارتقاء همکاری اجتماعی کمکی نخواهد کرد به یک معنا هنجارهایی که سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند اساساً باید شامل سجایی از قبیل، صداقت، ادای تعهدات و وفاداری باشند (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۴).

در تأیید دیدگاه فوکویاما می‌توان گروه‌های مافیایی که در تضاد با موانع و ارزشهای جامعه هستند را مثال زد که نمودهایی از سرمایه اجتماعی منفی می‌باشند.

فوکویاما در تعریف سرمایه اجتماعی مانند سایر صاحب نظران هر دو جنبه ذهنی و عینی، یعنی روابط رسمی و غیر رسمی و اعتماد اجتماعی را مورد توجه قرار داد، او کارکرد اصلی سرمایه اجتماعی را تسهیل همکاری و مشارکت گروهی برای تحقق اهداف و منافع فردی و جمعی در کمک به توسعه، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌داند (بوداقی، ۱۳۸۹: ۲۷).

از دیدگاه فوکویاما، سرمایه اجتماعی، هنجارهای غیر رسمی جا افتاده‌ای است که همکاری میان چند نفر را تشویق می‌کند، سرمایه اجتماعی موجب می‌شود اعضای جامعه به هم اعتماد کنند و با تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های جدید با هم همکاری نمایند، فوکویاما منابع ایجاد سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند:

- هنجارهایی که به لحاظ نهادی ساخته شده‌اند (ساخت مندی نهادی) و منتج از نهادهای رسمی مانند دولت و نظارت قانونی هستند.
- هنجارهایی که خودجوش هستند (ساخت مندی خودجوشی) برخاسته از کنش‌های متقابل اعضای یک جامعه می‌باشند.
- ساختمندی برون‌زا که برخاسته از اجتماعی غیر از اجتماع مبدأ خودشان هستند و می‌توانند از دین، ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه‌های تاریخی مشترک نشأت بگیرند.
- هنجارهایی که از طبیعت ریشه گرفته‌اند (ساخت مندی طبیعی) مثل خانواده، نژاد، قومیت (فوکویاما، ۱۳۸۶: ۴۶).

هرچند فوکویاما به منابع ایجاد سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند اما می‌توان گفت که در بین این منابع برخی مهم‌ترند و با توجه به زمان هر یک می‌توانند نقشی متفاوت داشته باشند، به فرض مثال می‌توان گفت که در شرایط امروزی که افراد از هنجارهای طبیعی‌شان فاصله گرفته‌اند، شاید بتوان گفت هنجارهای خود جوش تأثیر بیشتری دارند و در جوامعی دارای ایدئولوژی خاص که مسلط است، می‌توان به نقش ایدئولوژی و دین در ایجاد سرمایه اجتماعی اشاره کرد و در جامعه‌هایی که همه چیز در سطح نهادی اجرا می‌شود ساخت مندی نهادی مؤثرتر است.

۳- مفهوم توسعه اقتصادی

فرایند توسعه اقتصادی، مستلزم مشارکت وسیع هر یک از شهروندان است، این شهروندان باید از طریق فرایندهایی توانمند شوند. نهادها می‌توانند میزان مشارکت و توانمند سازی افراد را مشخص کنند.

اعتقاد بر این است که بعد اجتماعی و مؤلفه نهادی توسعه پایدار، بویژه نهادها و سرمایه اجتماعی اهمیت خاصی در فرایند رشد و توسعه پایدار دارند، اما باید توجه کرد که تأثیر نهادها و بخصوص سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی غیر مستقیم است، این اثر گذاری از طریق کانال‌هایی انجام می‌گیرد (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

از نظر پیتر دورنر توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت‌های بشری که برای جلوگیری از فقر ضروری می‌باشد. تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه اقتصادی هستند. آنچنان که سیرز می‌گوید، سؤال‌هایی که در مورد توسعه اقتصادی یک کشور باید مطرح کرد این است که بر سر مسائلی نظیر، فقر، نابرابری و بیکاری چه آمده است؟ هرگاه این وجوه از سطوحی بسیار بالا به سطوحی پایین‌تر تنزل کنند، بدون شک کشور مزبور دوره‌ای از توسعه را پشت سر گذاشته است (ازکیا، ۱۳۸۵: ۴۴).

مک لوب می‌گوید: توسعه اقتصادی عبارت است از کاربرد منابع تولیدی به نحوی که موجب رشد بالقوه و مداوم درآمد سرانه در یک کشور بشود (ازکیا، ۱۳۸۷: ۴۵).

می‌توان گفت توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحول در درجه اول کاهش نابرابری اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود.

برای آنکه توسعه اقتصادی پدید آید، لزوماً باید شبکه‌ای به هم پیوسته متشکل از مجموعه محصولات و درآمدها، با توجه به منابع و تمام موجودی‌های داخلی و با در نظر گرفتن وابستگی‌های متقابل با دیگر کشورها، پدید آید. لیکن، برای اخذ چنین نتیجه‌ای و همچنین به منظور توزیع عادلانه درآمد ملی و بهبود سطح زندگی مردم، باید به استقرار ساختار و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطبق با شرایط جدید پرداخت (ازکیا، ۱۳۸۷: ۴۵).

۴- اثرات سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی

توسعه مالی

توسعه مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن ارائه خدمات مالی، توسط مؤسسات مالی افزایش می‌یابد و هم افراد جامعه از یک انتخاب وسیعی از خدمات بهره مند می‌شوند، برای اندازه گیری توسعه مالی، شاخص‌های متعددی پیشنهاد شده است که دارای ابعاد متفاوتی‌اند، مانند، رشد اقتصادی، تورم، بیمه، اعتبارات، آزادسازی حساب سرمایه و عوامل غیر اقتصادی (وضعیت سرمایه اجتماعی، حقوق مالکیت، وضعیت نظام حقوقی، فشارهای سیاسی) (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

در اجتماعات دارای سرمایه اجتماعی بالا، مردم اعتماد بیشتری به یکدیگر دارند، سطوح بالای سرمایه اجتماعی به معنی برخورداری از سطح بالایی از اعتماد است. با توجه به این تعریف اعضای اجتماعی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند، راحت‌تر به یکدیگر اعتماد می‌کنند، چرا که از دیگر افراد اجتماع انتظار دارند در چارچوب هنجارهای اجتماعی جامعه رفتار کند به زبان

دیگر، شبکه‌های اجتماع، موقعیت بهتری برای توبیخ کسانی که کج روی می‌کنند، فراهم می‌آورد در این جوامع بر سر قول و قرارهای خود به عنوان نتیجه یک گرایش اخلاقی می‌ایستند. چنین گرایش اخلاقی، به وسیله آموزش نقش می‌بندد. شرکت دادن افراد در فعالیت‌های غیر اقتصادی، مانند شرکت در باشگاه‌های محلی، انجمن‌ها، گردهمایی‌ها و دیگر شبکه‌های ارتباط جمعی، با توجه به تقسیم بندی پوتنام، سرمایه اجتماعی میان گروهی (کارگشارا تشکیل می‌دهد؛ که میزان اعتماد عمومی را در سطح جامعه افزایش می‌دهد (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۶۱).

اکثر اقتصاد دانان بر این باورند از آن جایی که سرمایه اجتماعی منبع کنش جمعی است، مهم‌ترین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، نقشی است که این سرمایه در کاهش هزینه‌های معاملاتی دارد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲). فوکویاما اعتماد را بعنوان یک پیش‌نگری در داخل یک جامعه منظم، صادق و همراه با رفتار مشارکتی که بر اساس هنجارهای مشترک پایه ریزی شده است، تعریف می‌کند. مفهوم اعتماد ممکن است برای پیش‌نگری رفتار یک شریک با توجه به تعهدات و الزامات او امکان پیش‌بینی رفتار او در تعاملات و مذاکرات در حالی که ممکن است با رفتار فرصت طلبانه نیز مواجه باشد، بیان شود (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶: ۲۷).

حلقه ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حوزه‌های اقتصادی از جمله توسعه مالی، مبادله است. مبادله نیز بر اساس اعتماد (بعنوان یکی از اجزای کلیدی سرمایه اجتماعی) استوار است و آنچه که سبب افزایش اعتماد در جامعه و کاهش فرصت طلبی افراد می‌شود، تقویت سرمایه اجتماعی مثبت می‌باشد (صمدی، ۱۲۶، ۱۳۸۸). فرانکوئیس اعتقاد دارد که پیشرفت اقتصادی در گرو سرمایه اجتماعی است و در این فرایند نقش قابلیت اعتماد در تعاملات تجاری برجسته است (همان: ۱۲۶).

بنابراین تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه مالی را می‌توان حداقل از کانال قراردادهای مالی و نقش اعتماد در آن دنبال کرد. مردم هنگامی به همدیگر اعتماد خواهند کرد که نهادهای تعیین کننده، چارچوب تعهدات (مانند قراردادها، قوانین، نیروی انتظامی، دادگاه‌ها) وجود داشته باشند و مهم‌تر از آن وظیفه حفظ و نظارت بر آن چارچوب را بر عهده گیرند، اما این مسئله نیز کاملاً روشن است که اجرا شدن کامل قراردادها در عمل و با اعمال زور قانون، غیر ممکن است، مگر اینکه جامعه از سطح سرمایه مثبت بالایی برخوردار باشد، همچنان که امیل دورکیم نیز مطرح می‌کند، اصل مبادله، مشروط به شرایط مکان و زمان است و ایجاد پوشش آهین برای قراردادها غیرممکن است (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

میزان اعتماد لازم برای یک مبادله مالی، به میزان تحصیلات در طرف دیگر مبادله نیز بستگی دارد، دو سرمایه گذار را در نظر بگیرید که می‌خواهند اقدام به خرید سهام کنند یکی تحصیل کرده که می‌تواند پیش‌بینی‌های مالی را بخواند و به خوبی متوجه است و دیگری سرمایه گذاری ساده که نمی‌تواند بسیاری از اصطلاحات را متوجه شود اگر همه شرایط یکسان باشند، دومی برای خرید یک سهام، نیازمند اعتماد بیشتری است.

ناتوانی در درک کامل همه جزئیات یک قرارداد این امکان را از سرمایه گذار ساده می‌گیرد که بتواند بین سرمایه گذاری‌های قانونی و کلاه برداری، تفاوت قائل شود.

در عین حال، درک ناقص از حمایت‌های قانونی پیش‌رو، باعث می‌شود تا سرمایه گذار ساده، به طور کلی از شکاکیت و بدبینی بیشتری برخوردار باشد. اگر سرمایه گذار دیگر، برخوردار از توانایی برای اتخاذ تصمیم‌های پیچیده مالی، مانند، مدیریت سبد دارایی‌اش نباشد، لازم است تا کس دیگری را برای انجام این کار بعنوان نماینده، قبول کند (علمی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۶۴). همچنین در جوامع کم اعتماد، معامله‌های قسطی، تحت تأثیر ویژگی‌های قابل اطمینان مشخص متقاضی است، مانند پیوندهای خونی و برعکس در جوامع پر اعتماد با سرمایه اجتماعی بالا، بیشتر تحت تأثیر صلاحیت علمی افراد است، از این منظر، کسب صلاحیت علمی در جوامع کم اعتماد، از بازدهی کمتری برخوردار است (همان: ۲۶۵).

استفاده از چک

چک یکی از ابزارهای مالی می‌باشد که در انجام آسان‌تر معاملات نقش مهمی را بازی می‌کند، روشن است که استفاده از چک، نیازمند، اعتماد زیاد برای دو طرف معامله می‌باشد، از یک طرف کسی که چک را دریافت می‌کند، باید مطمئن باشد که در

حساب طرف مقابل نقدینگی وجود دارد، یا اصطلاحاً چک طرف مقابل پاس می‌شود و کسی که چک را دریافت می‌کند باید اطمینان داشته باشد که طرف مقابل در چک خدشه‌ای وارد نکرده و مبلغ چک را عوض نخواهد کرد، بنابراین میزان اعتماد یک جامعه در تمایل افراد به استفاده از چک بسیار مؤثر است (رحمانی، امیری ۱۳۸۶: ۳۰).

تخصیص سبد دارایی

برای تخصیص داراییهای مالی، همه خانواده‌ها، با یک انتخاب اساسی، بین نگهداری پول نقد و سرمایه گذاری در دیگر زمینه‌های مالی مواجه‌اند، هر نوع سرمایه گذاری منوط به نوعی واگذاری کار به نمایندگان است. سپرده گذاری یک خانواده در بانک به معنی پذیرفتن نمایندگی بانک برای حفاظت و مدیریت دارایی خانواده است.

از آنجایی که علاقه به نماینده پذیری، تحت تأثیر سطح اعتماد است، بنابراین افرادی که در مناطقی با سرمایه اجتماعی بالا زندگی می‌کنند، از آمادگی بیشتری برای پذیرش طرف سوم بعنوان نماینده برخوردارند تا حفاظت و مدیریت پول خود را به آنها بسپارند. به همین خاطر انتظار ما از خانواده‌هایی که در این مناطق زندگی می‌کنند، این است که بخش زیادی از ثروت مالی خود را در سپرده‌ها و سهام سرمایه گذاری کنند و بخش کمتری را به عنوان پول نقد باقی گذارند (علمی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۶۶). پس می‌توان گفت که سپرده گذاری به اعتبار نیاز دارد که به اطلاعات زیادی محتاج نیست، چراکه بیم سپرده گذاران، از حساسیت آنها نسبت به برخی اطلاعات خاص درباره بانک می‌کاهد.

قرض و وام

قرض گیری و وام دهی نیز به شدت اعتماد بستگی دارد، بنابراین انتظار داریم در جوامعی که سطح اعتماد بالاست، احتمال اینکه یک خانوار نتواند، ضامن معتبر برای دریافت وام را معرفی کند و یا از درخواست وام دلسرد شود، کمتر است. جوامعی که از میزان بالایی از اعتماد برخوردارند، برای ایجاد توافق و همکاری، به نهادهای رسمی کمتری محتاج‌اند، به همین خاطر بازارهای اعتباری غیررسمی که وابسته به اعتماد بین شخصی است، می‌تواند سرمایه گذاری را برای جوامعی که واسطه گری های مالی به صورت رسمی شکل نگرفته‌اند، تسهیل کند. اگر این مطلب از لحاظ تجربی در کشورهای مختلف مورد تأیید واقع شود، کاربرد بسیار مهمی برای کشورهای در حال توسعه خواهد داشت.

رشد اقتصادی

سرمایه اجتماعی یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در زمینه توضیح مکتب نهادگرایان جدید می‌باشد که هر یک از سطوح متفاوت آن به نحوی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. در سطح فرد و روابط غیر رسمی که میان اعضای خانواده، دوستان و اقوام حاکم است، به ویژه در خانواده، سرمایه اجتماعی باعث تشکیل سرمایه انسانی می‌شود که در بلند مدت تأثیر خود را بر روی رشد اقتصادی می‌گذارد.

سرمایه اجتماعی تعمیم یافته باعث افزایش قابلیت اعتماد و پیش بینی رفتار انسان‌ها می‌شود. در سطح میانی که به روابط بین بنگاهها و شرکت‌ها اشاره دارد، سرمایه اجتماعی موجود، باعث کاهش ریسک و افزایش اعتماد بین بنگاههای اقتصادی می‌شود که در نتیجه باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی و هزینه‌های انعقاد و اجرای قراردادها، توسعه مالی، افزایش کارایی بازار و افزایش نوآوری می‌گردد. در سطح کلان که به نهادهای رسمی مربوط است، با وجود آوردن محیط آرام و با ثبات و تضمین حقوق مالکیت، افزایش سرمایه گذاری، کاهش بیکاری، افزایش کارایی دولت و کاهش جرم در جامعه و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی را در پی دارد (صفدری و دیگران، ۱۳۸۷: ۵).

برخلاف باورهای معمول که تحقق رشد اقتصادی را یا مستلزم دولتی شدن اقتصاد می‌دانند و یا مستلزم بازاری شدن آن، شعبه تازه شکفته علم اقتصاد، یعنی «اقتصاد نهادگرای جدید» بر این باور است که اقتصاد باید ترکیب بهینه‌ای باشد از نهادهای بازاری و نابازاری، یا با واژگان کلاسیک، ترکیبی از بازار، سرمایه و صنعت؛ یا به تعبیر نهادگرایان، ترکیبی از بازار، دولت و بنگاه. اما این مجموعه نهادها باید به گونه‌ای ترکیب شوند که نه تنها هزینه مبادله (در قراردادهای خصوصی میان کارگزاران اقتصادی) و سواری مجانی (در تصمیمات جمعی) را به حداقل برسانند. بلکه دیگر شاخص‌های عملکرد اقتصادی را نیز بهبود بخشند (علمی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۶۹).

علمی و همکاران (۱۳۸۴) اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را اغلب از طریق سرمایه گذاری می‌دانند به این معنی که سرمایه اجتماعی با فراهم کردن محیطی آرام و با ثبات از نظر اجتماعی و سیاسی، در وهله اول بر سرمایه گذاری تأثیر می‌گذارد. سپس در مرحله بعدی، تغییر ایجاد شده در سرمایه گذاری، رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه، افزایش آزادی‌های مدنی، سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی را که بطور معمول حدود ۲۰ درصد است، ۵ درصد افزایش می‌دهد. ناک و کیفر (۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را با کیفیت نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی یک جامعه معادل می‌گیرند. این مطالعه با استفاده از شاخص‌های مختلف کیفیت نهادی که توسط نهادهای سرمایه گذاری و گروه‌های حقوق بشر تدوین شده است، نشان می‌دهد که مواردی چون اعتماد همگانی، حاکمیت قانون، آزادی‌های مدنی و کیفیت دیوانسالاری با رشد اقتصادی همبستگی دارد. ناک و کیفر در رویکرد نهادی سرمایه اجتماعی، به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه اجتماعی از میزان فقر می‌کاهد یا دست کم، نابرابری درآمد را تشدید نمی‌کند. و کلاک و نارایان (۱۳۸۴) اصلی‌ترین عواملی که مانع رشد و رفاه اقتصادی در جوامع می‌شود را فساد فراگیر، کندی آزردهنده کار اداری، آزادی‌های مدنی سرکوب شده، نابرابری گسترده، تنش‌های تفرقه انگیز قومی و تضمین نداشتن حقوق مالکیت (حتی به اندازه‌ای که بتوان گفت اصلاً چنین حقوقی وجود دارد) می‌داند (صفدری و دیگران، ۱۳۸۷: ۶).

۵- پیشینه تحقیق

مطالعه کورمندی و مگ وایر (۱۹۸۵) از اولین مطالعاتی بود که به بررسی سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی می‌پردازد و از نگرش آماری میان کشوری استفاده می‌کند. آنها از شاخص معروف به گستیل برای آزادی‌های مدنی استفاده کردند. شاخص گستیل، از ۱ تا ۷ شماره گذاری می‌شود، امتیاز پایین‌تر، نمایانگر آزادی‌های مدنی بیشتر است. مطالعه گستیل، ۱۷۰ کشور و منطقه را در بر می‌گیرد، ۱۴ شاخص برای آزادی‌های مدنی و ۱۱ شاخص برای آزادی‌های سیاسی در این شاخص حضور دارند. از مواردی که این معیار به آنها اشاره دارد، می‌توتن به قوه قضائیه مستقل، اتحادیه تجارت آزاد، نهادهای مذهبی، تنوع احزاب سیاسی، کنترل نظامی یا خارجی اشاره کرد. آن‌ها کشورها را بر مبنای شاخص‌های گستیل طبقه بندی کرده و متوجه شدند که این متغیر مجازی، تأثیری مثبت و به اندازه ناچیزی معنی دار بر رگرسیون رشد دارد. کل این اثر تقریباً نتیجه اثر آزادی‌های مدنی بر نرخ سرمایه گذاری است.

وقتی نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی، به رگرسیون رشد اضافه شود، آزادی‌های مدنی، دیگر دارای اثر مستقل نخواهد بود. اگر در یک رگرسیون، نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی، بعنوان متغیر وابسته باشد، آزادی‌های سیاسی بدون شک، قدرتمندترین عامل توضیح دهنده است. طبق این مطالعه، افزایش آزادی‌های مدنی، سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی را که معمولاً ۲۰ درصد است، ۵ درصد افزایش می‌دهد (علمی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۷۲).

سوری (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان، سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی به یک بحث تجربی در مورد اقتصاد ایران پرداخته است. ابتدا سرمایه اجتماعی را براساس کارکرد آن، افزایش جرائم و تخلفات در اثر کمبود سرمایه اجتماعی، اندازه گیری کرده و سپس آثار آن را برد و متغیر مهم، رشد اقتصادی و سرمایه گذاری‌های خصوصی بررسی کرده است. در این تحقیق با در نظر گرفتن تعداد پرونده‌های چک‌های بلامحل به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، اثر معنی دار، کاهش سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را نتیجه گرفته است (صفدری و دیگران، ۱۳۸۷: ۸).

آذری (۱۳۸۵) تأثیر سرمایه اجتماعی را بر عملکرد اقتصادی بررسی کرده است، بر اساس نتایج این تحقیق اعتماد اثر مثبتی بر عملکرد اقتصادی داشته و توضیح دهنده بخشی از کارایی کل عوامل تولید بوده است. همچنین امیری و رحمانی (۱۳۸۵) برای بررسی نحوه تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی، آن را به دو گروه سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی طبقه بندی کردند. بر اساس نتایج با افزایش یک واحد عضویت افراد در انجمن‌ها و گروه‌ها، رشد اقتصادی ۱۲ درصد واحد افزایش یافته است. متغیر سرمایه اجتماعی درون گروهی نیز اثر منفی و معنی داری در سطح خطای ۵ درصد بر رشد داشته است (همان: ۹).

ناک و کیفر، در مقاله‌ای تحت عنوان "آیا سرمایه اجتماعی، پیامد اقتصادی دارد؟" یکی از جامع‌ترین مطالعات بین‌کشوری، پیرامون تأثیر سرمایه اجتماعی بر اقتصاد را انجام داده‌اند، در این تحقیق شواهدی ارائه می‌شود که بر اساس آنها، سرمایه اجتماعی، نقش مهمی در عمل نمودهای اقتصادی قابل اندازه‌گیری ایفا می‌کند. در این مطالعه که یک نمونه ۲۹ تایی از اقتصادهای بازاری را شامل می‌شود، دو سنجۀ "اعتماد" و "هنجارهای مدنی" را که از پیمایش جهانی ارزش‌ها بدست آمده، مورد استفاده واقع شده‌اند.

نتایج حاصل، به این مطلب اشاره دارد که اعتماد و هنجارهای مدنی در کشورهایی با میزان درآمد بالا و یکسان‌تر که در آنها نهادهایی حضور دارند که اعمال حریصانه مدیران را مهار کنند و جمعیت با سوادتر و از لحاظ قومی یکنواخت‌تری دارند، قوی‌تر است.

این مقاله بر سه محور کلی شکل گرفته و بر همین اساس به سه نتیجه دست یافته است، اولی "به اهمیت اعتماد و هنجارهای مدنی در عملکرد موفقیت‌آمیز فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد، دومی "به این مطلب اشاره دارد که طبق شواهد تجربی، فعالیت‌های جمعی با عملکرد اقتصادی همبسته نیست، این نتیجه خلاف آن چیزی است که یوتنام در رابطه با مناطق ایتالیا به آن دست یافت.

سومین محور "نیز به نمایش میزان اهمیت دو منبع اعتماد و هنجارهای مدنی اختصاص دارد و این دو عنصر اساسی سرمایه اجتماعی را در کشورهایی که نهادهای رسمی قوی‌تری برای صیانت از دارائی‌ها و حقوق مندرج در قراردادها دارند و همچنین در کشورهایی که از لحاظ قومی و طبقه، یکنواخت‌ترند، قوی‌تر یافته است.

در رابطه با محور دوم می‌توان به این نتیجه کلی اشاره کرد که عدم وجود ارتباط، میان عضویت در گروه‌ها و عملکرد اقتصادی بخاطر آثار بدی است که گروه‌گرایی به همراه دارد؛ به عبارت دیگر، آثار مخرب گروه‌ها، چون رانت خواری که توسط اولسون (۱۹۸۲) بیان شده، آثار سازنده و مثبت گروه‌ها را که یوتنام برشمرده است، تحت تأثیر قرار می‌دهد (علمی و دیگران، ۲۷۵:۱۳۸۴).

طبق این تحقیق می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی در یک اجتماع از شاخص‌های زیادی تأثیر می‌پذیرد اما اگر جامعه به سطح بالایی از آگاهی رسیده باشد، باسوادتر باشد شاخص‌های دیگر کم‌رنگ‌تر می‌شوند، به فرض در جامعه‌ای که از لحاظ آگاهی و شعور جمعی به سطح بالایی رسیده باشند و افراد باسواد در آن زیاد باشند، قومیت‌ها نه تنها مانع از پیشرفت و حس همبستگی نمی‌شود، بلکه در جهت توسعه هرچه بیشتر می‌تواند بکار رود، در این جامعه سرمایه اجتماعی به صورت درون‌گروهی در نمی‌آید که این سرمایه به خارج از گروه منتقل نشود، بلکه گروه و هدف از آن رسیدن به اهداف جمعی است؛ و اهداف جمعی در راه رسیدن و ساختن جامعه‌ای سالم است.

اگر گروه‌ها در کنار هم، احزاب در کنار هم، انجمن‌ها در کنار هم و با استفاده از آگاهی جمعی و آگاهی به این امر که هدف از این تشکل‌ها رسیدن تک‌تک افراد جامعه به یک زندگی رضایت‌مندانه است، به این نتیجه برسند که با رقابت سالم و نه زنده و نه تخریب‌کننده، می‌توان مصلحت جامعه را تأمین کرد، در این صورت، جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که سایر سرمایه‌ها به هدر نخواهد رفت و به کانال‌هایی که پیش‌بینی شده‌اند هدایت می‌شوند.

۶- یافته‌های تحقیق

برخی از اقتصاد دانان و جامعه‌شناسان، اکنون برای تبیین علل توسعه نیافتگی کشورهای مختلف به فقدان سرمایه اجتماعی در آن جوامع اشاره می‌کنند و آن را حلقه مفقوده می‌دانند. یوتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی، همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به ویژگی‌های سازمان‌های اجتماعی از قبیل، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند، سرمایه اجتماعی، سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد (قاسمی و دیگران، ۴۰:۱۳۸۹).

اقتصاد دانان نهاد گرا نیز که به ساخت اجتماعی، عوامل فرهنگی و نهادهای غیر اقتصادی علاقمند هستند، از ورود سرمایه اجتماعی به مباحث توسعه استقبال کرده‌اند، بانک جهانی در مقالات متعددی که منتشر ساخته، از نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه یاد کرده است.

میر (۱۳۸۲) یکی از مسائل اساسی و وظایف نسل جدید اقتصاد دانان توسعه را تعریف سرمایه اجتماعی می‌داند و برای دست یابی به این هدف معتقد است، باید پیوندهای قوی تری بین اقتصاد توسعه، اقتصاد نهادین جدید و جامعه شناسی اقتصادی برقرار شود.

"چو" بر این باور است که سرمایه اجتماعی می‌تواند به طور مستقیم بر افزایش اقتصادی مؤثر باشد یا منجر به افزایش ظرفیت تولیدگری دیگر منابع مانند سرمایه مادی و انسانی شود (همان: ۴۰).

سرمایه اجتماعی هم بر روند توسعه، تأثیر گذار است و هم از آن تأثیر می‌پذیرد، به همین خاطر، با توسعه اقتصادی یک کشور، سرمایه اجتماعی آن کشور نیز باید توسعه یابد. بخاطر گستردگی مفهوم سرمایه اجتماعی، این مفهوم از مسیرهای مختلفی می‌تواند بر اقتصاد تأثیرگذار باشد، در این بخش به بررسی این مسیرها می‌پردازیم.

۷- بحث و نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی باید بعنوان یک سازه رابطه‌ای فهمیده شود، این مفهوم صرفاً در شرایطی می‌تواند دست یابی به منابع را فراهم سازد که افراد علاوه بر ایجاد، پیوندهایی با سایرین، ارزش‌های مشترک گروه را هم درونی کرده باشند، به این دلیل در نظر گرفتن این مفهوم بعنوان ویژگی رابط، امری مهم است. شاید بهتر است که بگوییم این مفهوم بازگو کننده بازگشت به دغدغه‌های دورکیمی نسبت به همبستگی باشد تا اینکه پیروی از چارچوب فردگرایانه کلمن تلقی شود. شناختن مجموعه‌ای از افراد و توانایی همکاری آن‌ها مسلماً راه خوبی برای تحقق سرمایه اجتماعی است اما باید باور کرد که این کار بستگی به منابعی دارد که آن افراد در اختیار دارند، معمولاً افرادی که عضو یک طبقه هستند باهم زندگی می‌کنند، آن‌ها با هم کنش متقابل دارند، دانشمندان برجسته که عضو قشری خاص هستند در کنفرانس‌ها و سمینارهایی شرکت می‌کنند که دیگر افراد برجسته در شاخه مطالعاتی آنها حضور دارند. اجتماعات فقیر و فاقد قدرت گاهی اوقات می‌توانند برای جبران ندانستن موفقیت و خدمت و ثروت از انباشت‌های سرمایه اجتماعی خود استفاده کنند در واقع این مطلب هدف بسیاری از جنبش‌های اجتماعی، اتحادیه‌های تجاری است و به تبیین علت توانایی این نهادها کمک می‌کند اما اغلب اوقات، نابرابری دسته‌ای به انباشت‌ها و سرمایه اجتماعی با سایر نابرابری‌ها، از جمله نابرابری‌های، ثروت، جنسیت و قومیت، همپوشانی پیدا می‌کنند و اغلب اوقات ادبیات غالب مربوط به سرمایه اجتماعی به سادگی از این واقعیت غفلت کرده است.

عنوان شد که وجود سرمایه اجتماعی بعنوان سازوکاری برای ارتقای توسعه است و فقدان و فرسایش آن مانعی برای توسعه و مهمتر اینکه سرمایه اجتماعی از ویژگی خودزایی و خود مولدی برخوردار است به این معنا که با استفاده مناسب از آن زمینه برای تولید و تقویت آن فراهم می‌شود و عدم استفاده از آن موجب تقلیل و نابودی آن می‌شود و این موجب تفاوت بین سرمایه اجتماعی و دیگر اشکال سرمایه شده است. ایجاد سرمایه ممکن است برای اولین بار مانند سرمایه فیزیکی هزینه داشته باشد. تقویت آن از طریق مصرف آن امکان پذیر است برخی از سرمایه فیزیکی که وقتی مصرف می‌شود، فرسوده و کهنه می‌شود در این باره سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی عمل می‌کند، وقتی مهارتی از طریق انجام کاری کسب می‌شود، چنانچه بعداً مورد تمرین و ممارست قرار نگیرد، به فراموشی سپرده می‌شود."

فقدان مردم سالاری واقعی و عدم شکل گیری نهادهای مدنی که خود حاصل فقدان سرمایه اجتماعی اولیه است، همچنان مانع شکل گیری این سرمایه می‌شود که در مقیاس‌های ملی و فرا ملی فرایند توسعه را با مشکل مواجه می‌کند، به نظر بیکر، انجام امور تجاری در کشورهای دیگر به یک مسئول و قابل اعتماد نیاز دارد. کیفیت و چگونگی دولت با توجه به غنی بودن سرمایه اجتماعی مانند شبکه‌های همکاری مشارکت مدنی و روحیه تغییر می‌کند.

در فضای غیر مردم سالارانه اعتماد عمومی و سرمایه بین گروهی جای خود را به اعتماد عشیره‌ای و سرمایه درون گروهی می‌دهد که اگر در جهت صحیح استفاده نشود خود مانع توسعه است. سرمایه اجتماعی در نهایت می‌تواند فضایی را برای کسب و کار و فعالیت اجتماعی فراهم کند که می‌تواند انجام مبادلات و فعالیتهای اقتصادی را تسهیل کند و با هزینه کمتری آنها را ممکن سازد.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کیهان
۲. بوداقتی، علی، (۱۳۸۹)، بررسی سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۳. رحمانی، امیری، میثم، (۱۳۸۶)، بررسی نقش اعتماد بر رشد اقتصادی در روستاهای ایران با روش اقتصادسنجی فضایی، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۸، صفحات (۲۲-۵۷).
۴. ریتزر، جورج، (۱۳۷۷)، نظریه جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران انتشارات علمی.
۵. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، اطلاعات سیاسی - اجتماعی سال بیست و سوم، شماره ۷ و ۸، صص (۱۲۲-۱۴۵)
۶. صمد، علی حسین، (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی و توسعه مالی، اقتصاد ایران (۳۵۰-۳۸۵)، مجله تحقیقات اقتصادی، سال چهل و چهارم، شماره ۸۸، صص (۱۱۷-۱۴۴).
۷. علی، زهرا، سید امیر حسین حسینی و محمود شارع پور، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد، مجله تحقیقات اقتصادی ع شماره ۷۱، صص (۲۳۹-۲۹۶).
۸. فوکویاما، فرنسیس، (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، نشریه جامعه ایرانیان ایران، تهران
۹. فیلد جان، (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، حسین رضائی، تهران: کویر
۱۰. قاسمی، وحید، ادیبی، مهدی، آذربایجانی، کریم، توکلی، خالد، رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی، فصلنامه علمی، پژوهشی، سال دهم، شماره ۳۶ صص (۳۶-۴۹)
۱۱. کوزر، لویش (۱۳۶۸)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، علمی، تهران.
۱۲. گی، روشه، تغییرات اجتماعی، (۱۳۸۵)، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی
۱۳. لشکری، محمد، (۱۳۸۵)، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، مشهد: کنکاش دانش

Evaluate the role of social capital in economic development

Rahmat Shamsi* , Bakhtiar Ahmadi

MA Development Studies, Tehran University, Tehran, Iran
MA Sociology, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

Abstract

Until recent decades, the experts believed that the development and growth of the economy are dependent on the underground natural resources (water, oil, gas) and other mines, but by the now has introduced a capital that the lack of this capital has become an obstacle to economic development, if exists any factor, will affect other investments, a capital that includes public participation, their integrity, trust each other, mutual understanding, and this social capital. The research method in this study is a library and based on conducting research about the relationship between social capital and economic development and also evaluation studies of this relationship and also using secondary analysis. The lack of real democracy and the formation of civil society, which, itself, is the result of lack of basic social capital, will prevent the formation of this capital that will impair the process of development at the national and transnational scale. Social capital can finally provide a space for business and social activities that can facilitate exchanges and economic activities and fulfill them with fewer costs.

Keywords: social capital, economic development, social trust, social participation
